



اثربخشی خانواده درمانی سیستمی بوئن بر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی زنان

مواجهه شده با خیانت همسر

عاطفه ملک‌لو^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی خانواده درمانی سیستمی بوئن بر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی در زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر شهر تهران در سال ۱۴۰۱ انجام شد. روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان مواجهه شده با خیانت همسر که به مراکز مشاوره منطقه ۷ شهر تهران مراجعه نمودند تشکیل دادند که از بین آن‌ها، ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش (هر گروه ۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. گروه آزمایش خانواده درمانی سیستمی بوئن ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش قرار گرفتند و گروه کنترل در لیست انتظار ماندند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (کولینز و رید، ۱۹۹۰) و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی (جونز، ۱۹۶۹) بودند که در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد استفاده قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از اجرای پرسشنامه از طریق نرم‌افزار spss24 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد نمره سبک دلبستگی ایمن افراد گروه آزمایش افزایش معنادار ۴۸ درصدی نسبت به گروه کنترل داشته است و در سبک‌های نایمن/دوسوگرا و اجتنابی کاهش معناداری یافته است که به ترتیب با تاثیر ۱۵ درصد و با تاثیر ۱۲ درصد می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که خانواده درمانی سیستمی بوئن باعث بهبود باعث درماندگی نسبت به تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی‌مسئولیتی هیجانی زنان مواجهه شده با خیانت همسر شده است. این نتایج می‌تواند پشتوانه‌ای برای بکارگیری روش مشاوره سیستمی بوئن در کاهش باورهای غیرمنطقی و افزایش میزان دلبستگی ایمن در زنان مواجهه شده با خیانت همسر باشد تا بدین وسیله علاوه بر مانع شدن از فروپاشی بنیان خانواده، باعث بهبود روابط زناشویی شد.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، باورهای غیرمنطقی، خانواده درمانی سیستمی بوئن، خیانت

مقدمه

خیانت زناشویی مسئله‌ای تکان‌دهنده برای زوجین و خانواده‌ها و پدیده‌ای رایج برای مشاورین و درمانگران است (کارگر خرم‌آبادی، خدابخش و کیانی، ۱۳۹۵). روابط فرا زناشویی، آشفتگی‌های زیادی را برای زوجین به وجود می‌آورد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اکثر افراد انتظار تک‌همسری و پرهیز از روابط فرا زناشویی را از همسران خود دارند (کروچ و دیکز، ۲۰۱۶). وقتی همسر فردی نسبت به او خیانت می‌کند فرد بر سر دوراهی است؛ از سویی جدایی موجب تخریب خانواده و از دست دادن همسری می‌شود که شاید هنوز دوستش دارد و رفع اختلافات به معنای این است که هنوز باید با زخم‌های خیانت زندگی کند و خطر رخ دادن خیانتی دیگر را بپذیرد (ویت ولیت، هافلج مهر، هینمن و نول، ۲۰۱۵). در مطالعات اخیر با نمونه‌های انتخابی وسیع تقریباً ۲۲ تا ۲۵ درصد مردان و ۱۱ تا ۱۵ درصد زنان در ایالات متحده آمریکا گزارش دادند که حداقل یک‌بار خارج از چارچوب زناشویی‌شان رابطه جنسی داشته‌اند. بین ۱/۵ تا ۴ درصد از افراد متأهل سالانه به رابطه جنسی خارج از چارچوب زناشویی اقدام می‌کنند و در طی یک سال گذشته، مردان در مقایسه با زنان دو برابر به رابطه جنسی نامشروع می‌پردازند (هریس، ۲۰۱۸). بعد از کشف خیانت همسر، افراد هیجانات شدیدی مثل انکار، خشم، عصبانیت و افسردگی نشان می‌دهند. زنانی که استرس خیانت همسر را تجربه می‌کنند ۶ بار بیشتر احتمال دارد که دچار افسردگی مازور شوند تا زمانی که این نوع استرس را تجربه نمی‌کنند (داویس، نوروزی، قنگولی، نامرکاوا، تاپر و لینز، ۲۰۲۱). خیانت زناشویی همچنین باعث بروز احساس تردید و تخریب باورهای ارتباطی می‌گردد (اوکه، ۲۰۱۸). از نظر آیدلسون و اپستاین^۶ (۱۹۸۲)، باورهای تخریب‌کنندگی به معنای عدم پذیرش اختلاف‌نظرها و تفسیر منفی و ناراحت‌کننده از اختلاف‌ها می‌باشد. باور به عدم تغییرپذیری همسر به معنای عدم قابلیت همسر در تغییر رفتارها و انتظار اینکه رفتارهای موردنظر در آینده نیز تکرار خواهند شد (جوزفس، ۲۰۱۸). تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌ساز، اختلال در ارتباط یا به عبارتی اختلال در فرایند تفهیم و تفاهم است. به‌عنوان مثال در گزارشی که توسط یک آژانس مشاوره خانواده در سال ۱۹۷۰ تهیه شده است ۸۷ درصد زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش نشان دادند که مشکل اصلی آن‌ها پیامدهای منفی بعد از شکست است (میعادی، ۱۳۹۴).

شواهد بسیار واضحی وجود دارد که زوجین در جامعه معاصر ما مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری روابط عاشقانه و صمیمی تجربه می‌کنند، یکی از این مشکلات سبک‌های دلبستگی است. مک کارتی و تیلور^۸ (۲۰۱۵) گزارش کردند که کیفیت مراقبت دهی، شکل گرفته توسط مدل دلبستگی، رفتار والدین نسبت به فرزندشان را هدایت می‌کند.

1 - Crouch & Dickes

2 - Witvliet, Hofelich Mohr, Hinman & Knoll

3 - Harris

4 - Davies, Nouruzi, Ganguli, Namekawa, Thaper & Linder

5 - Oke

6 - Idelson & Epstein

7 - Josephs

8 - McCarthy & Taylor

سبک دلبستگی، فرایندهایی را که طی آن پیوند بین فرد و خانواده شکل می‌گیرد، توصیف می‌کند. سبک‌های دلبستگی به مدل‌های درون‌کاری برآمده از پیوندهای عمیق عاطفی کودک-مادر گفته می‌شود که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جدایی‌نگاره‌های دلبستگی و پیوند مجدد با این‌نگاره‌ها را تعیین می‌کنند. این سبک‌ها به سه دسته ایمن، اجتنابی و دوسوگرا تقسیم می‌شوند (هاکینگ، سایمون و سورت^۱، ۲۰۱۶). افراد در طول رشد مجموعه‌ای از شواهد ذهنی برای موفقیت خود به واسطه مجاورت کافی با نگاره‌های دلبستگی را به عنوان مدل‌های درون‌کاری ثبت و ضبط می‌کنند (سیمپسون و رولز^۲، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین‌تری از عواطف منفی را تجربه می‌کنند و روابط مستحکمی را با کسانی برقرار می‌سازند که هنگام درماندگی هیجانی، برای دریافت حمایت مراجعه می‌کنند. افراد با سبک دلبستگی نایمن، در مقایسه با ایمن‌ها، سطوح پایین‌تری از عواطف مثبت را تجربه می‌کنند و در مدیریت استرس، اضطراب و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می‌دهند (آلزر، میچالیدو، مونوت و کیرانیدس^۳، ۲۰۱۹). لیختنشتاین، نیلسن، گودکس، هاینز و جورگنسن^۴ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که افراد دارای سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی از راهبردهای کاملاً متفاوتی استفاده می‌کنند که این راهبردها به نوبه خود مسئولیت‌پذیری را افزایش یا کاهش می‌دهد.

باورهای غیرمنطقی هم علت اصلی بسیاری از اختلافات اجتماعی، به ویژه روابط زوجین است (چان و سان^۵، ۲۰۲۱). در مورد اختلافات زناشویی و خانوادگی اعتقاد بر این است که ریشه مشکلات از باورهای غیرمنطقی یک یا هر دو زوج نشأت می‌گیرد. روابط زناشویی و خانوادگی آشفته بیشتر از این که تحت تاثیر مسائل موجود میان اعضای خانواده باشد، تحت تاثیر ادراکات و تصوراتی است که اعضای خانواده نسبت به رویدادها و مسائل دارند (کریسیدیس، تورنر و وود^۶، ۲۰۲۰). به اعتقاد آنها هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان ایجاد آشفستگی روانی کند، زیرا تمام محرک‌ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند و بر این اساس، سازش نایافتگی‌ها و مشکلات هیجانی در واقع ناشی از نحوه تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرک‌ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای ناکارآمد و غیرمنطقی در زیربنای آنها قرار دارند. باورهای غیرمنطقی غالباً به عنوان یک اصطلاح حفاظتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انواع مختلفی از ساختارهای روان‌شناختی، از تعصبات شناختی خاص تا طبقه گسترده‌تری از باورهای مشکوک معرفت‌شناختی (خرافات، باورهای ماوراءالطبیعه و شبه علمی، نظریه‌های توطئه و غیره) را شامل می‌شود (زیزلج و لزاروچ^۷، ۲۰۱۹). هسته اصلی باورهای غیرمنطقی را شناخت‌های مرکزی مطلق‌گرایانه ایجاد می‌کنند که عبارت‌اند از: ارزیابی مطلق‌گرایانه و سفت و سخت افراد در ارتباط با وقایع ادراکی، باورهای فاجعه‌آمیز، تحمل نکردن ناامیدی، کم‌ارزش‌شماری و ارزیابی کلی

1 - Hocking, Simons & Surette

2 - Simpson & Rholes

3 - Alzeer, Michailidou, Munot & Kyranides

4 - Lichtenstein, Nielsen, Gudex, Hinze & Jørgensen

5 - Chan & Sun

6 - Chrysidis, Turner & Wood

7 - Žeželj & Lazarević

(بوسچمن، هورن، بلنکشپ، گارسیا و بوهان^۱، ۲۰۱۸). ایس (۱۹۸۹) بر نقش عوامل شناختی در روابط زناشویی پریشان تاکید کرده است. به نظر او علت اختلال در ازدواج، انتظار غیرواقعی است که همسران نه تنها نسبت به خود و دیگران، بلکه در مورد روابط زناشویی نیز دارند. در واقع باورهای غیرمنطقی یعنی انتظارات غیرواقعی و نگرش های متناقض درباره خود، دیگران و روابط آنها. این باورهای تحریف شده غالباً پایه اختلاف نظر در روابط هستند و باعث شکل گیری الگوی تفکر معیوب می شوند (بالکیس و دورو^۲، ۲۰۱۹).

افزایش طلاق و نارضایتی زناشویی از یک سو و تقاضای همسران برای پرباری و بهبود روابط زناشویی از سوی دیگر، نشان دهنده نیاز همسران به مداخله ها و آموزش های تخصصی در این زمینه است (حقانی، عابدی، فاتح زاده و آقایی، ۲۰۱۹). پژوهشگران به منظور بهبود روابط زناشویی از رویکردهای متعددی نظیر مداخله شناختی رفتاری و آموزش شیوه های حل مساله هیجان محور و راه حل محور (کارخانه، فرهنگ، جزایری، سیمانی، بهرامی و فاتح زاده، ۲۰۱۶) و رویکردهای متعدد دیگری جهت درمان مشکلات خانواده و زوج ها ارائه شده است. یکی از روش های مشاوره ای پرکاربرد در این زمینه، روش خانواده درمانی سیستمی بوئی است. اساس خانواده درمانی سیستمی بوئی بر متعادل سازی احساس با هم بودن و تفکیک است و زیربنا و پایه این نظریه بر اساس مفهوم تفرد است. از نظر بوئن نوعی نظام عاطفی بر ساختار خانواده حاکم است که قابلیت انتقال بین نسلی دارد و سلامت روانی فرد در گروه تفکیک و جدایی وی از این نظام است (بوئن^۳، ۱۹۷۸). زیربنای نظریه همه این مفاهیم آن است که تصور می شود همیشه نوعی اضطراب مزمن در زندگی وجود دارد. این اضطراب مزمن بخش اجتناب ناپذیری از طبیعت به شمار می آید، هر چند امکان دارد به شیوه ای متفاوت و به درجات مختلف، بسته به موقعیت خاص خانواده و ملاحظات فرهنگی متعدد، خود را متجلی سازد، پدیده ای زیستی که اعتقاد بوئن وجه مشترک انسان با تمامی صورت های دیگر زندگی است. به نظر او، اضطراب مزمن از طریق نسل های قبل، که تاثیر و نفوذشان کماکان در حال حاضر وجود دارد، منتقل می شود، بدین شکل که خانواده دائماً در حال کشمکش بر سر متعادل سازی میان احساس با هم بودن و وحدت و تفکیک خود در اعضاست (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۴، ۲۰۱۳). نظریه بوئن نقش مهمی در زمینه رشد و نظری و کار بالینی خانواده مشاوره ای داشته است. در خصوص اثربخشی این درمان بر رفتارهای کنترل گرایانه و احساس انسجام به طور مستقیم پژوهشی انجام نشده ولی (مجرد، قمری گیوی و کیانی، ۲۰۱۹؛ یکتا طالب، صدیق اسکویی و سودانی، ۲۰۱۷؛ مسینا، کولبرت، بوندیک، کروتز و استرانو^۵، ۲۰۱۸؛ نیلاب، قنبری هاشم آبادی و کیمیایی، ۲۰۱۹؛ هیلی و آلن^۶، ۲۰۲۰) در پژوهش های مشابه، اثربخشی این روش را بر متغیرهای مختلف روان شناختی در حوزه خانواده نشان داده اند.

با توجه به این که زنان مواجه شده با خیانت های همسر با مشکلات و آسیب های روانی، اجتماعی و عاطفی بسیاری

1 - Buschmann, Horn, Blankenship, Garcia & Bohan

2 - Balkis & Duru

3 - Bowen

4 - Goldenberg & Goldenberg

5 - Messina, Kolbert, Bundick, Crothers & Strano

6 - Healy & Allen

روبه‌رو هستند که مجموع این فشارها موجبات تنش در ابعاد گوناگون را فراهم می‌آورد، تنظیم هیجان‌ها و باورها و افکار و روابط بین شخصی آن‌ها با مشکل مواجه می‌گردد. شایان‌ذکر است مشاوره سیستمی بوئن می‌تواند در جهت کاهش مشکلات این زنان بسیار مؤثر واقع گردد زیرا این رویکرد درمانی باعث آرام‌سازی و کاهش تنش‌های ناشی از مشکلات می‌گردد؛ بنابراین با فراهم نمودن شرایط مناسب می‌توان تنش ناشی از مشکلات را کنترل نمود و در ابعاد مختلف بر توانمندی‌های درونی مثبت آن‌ها اثر گذاشت و میزان قدرت تحمل و سازگاری فرد در برخورد با مشکلات را تقویت نمود. در نهایت می‌تواند عملکرد مفید و روابط بین فردی را در آن‌ها تقویت و هیجانات عاطفی این زنان را تنظیم کرد. پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه مؤید این نظر است که رویکرد درمانی اثربخش بر مشکلات زنان مواجه شده با خیانت‌های همسر می‌تواند اثرات مفیدی بر احساس انسجام این زوجین در جامعه ایجاد کند لذا تحقیق در این راستا مهم و ضروری تلقی می‌گردد؛ بنابراین در پژوهش حاضر این مسئله مدنظر است که آیا مشاوره سیستمی بوئن به شیوه گروهی بر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی زنان مواجه شده با خیانت همسر مؤثر است؟

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و گمارش تصادفی آزمودنی‌ها بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه خانم‌های داوطلبی بودند که به فراخوان اعلام‌شده پاسخ داده و ثبت‌نام نمودند. این خانم‌ها به دلیل تعارضات زناشویی، مشکلات مربوط به رضایت و نیاز به بهبود روابط زناشویی به مراکز مشاوره منطقه ۷ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ مراجعه نمودند و خواستار دریافت خدمات مشاوره‌ای بودند. نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۰ خانم بود. روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع در دسترس بود. چون پژوهش از نوع مداخله‌ای بود، حداقل نمونه در هر یک از گروه‌ها ۱۵ نفر در نظر گرفته شد (خدایاری فرد و همکاران، ۲۰۰۲). به این ترتیب که برای انتخاب نمونه ابتدا اطلاعیه تشکیل جلسات و شرایط ثبت‌نام اولیه به اطلاع مراجعین و همکاران مشاور در مراکز مشاوره منطقه ۷ رسانده شد. پس از ثبت‌نام متقاضیان از بین ۱۰۵ مراجعه کننده، از طریق مصاحبه مقدماتی خانم‌های واجد شرایط انتخاب شدند، سپس از بین ۷۳ خانم متقاضی دارای شرایط پژوهش (طبق شرایط ورودی و غربالگری از طریق پرسشنامه‌های پژوهش صورت گرفت)، ۳۰ خانم بر اساس مصاحبه‌های تشخیصی صورت گرفته و با روش تصادفی و بر اساس معیارهای ورود و خروج از پژوهش در یک گروه مداخله و یک گروه کنترل قرار گرفت. گروه آزمایش به صورت گروهی شرکت کردند و فنون و روش‌های درمان مشاوره سیستمی بوئن ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت گام‌به‌گام و از طریق تکالیف هفتگی و تمرینات منظم توسط پژوهشگر ارائه شد. علاوه بر این خانم‌های جامعه آماری شرایط زیر را داشتند: (شرایط ورود به مطالعه) وجود تعارضات و مشکلات مربوط به رضایت در روابط زوجی آن‌ها، مواجه‌شدن با خیانت اینترنتی همسر (شامل گفتگو و تبادل تصاویر و مشخصات همسر با فرد دیگری که همسر قانونی وی نبود. از طریق اینترنت و چت و پیام که محتوای گفتگوها و تبادل تصاویر و مشخصات عموماً در رابطه با مسائل جنسی و صمیمانه) بود، مایل به ادامه رابطه زناشویی با همسر خود، عدم مراجعه به مراجع قانونی و دادگاه جهت شکایت یا جدایی، عدم آگاهی همسر از اینکه وی متوجه روابط پنهانی او شده است و ادامه

روال عادی زندگی، عدم دریافت درمان‌های روان‌شناختی تا قبل از جلسات گروه‌درمانی یا در حین جلسات گروه‌درمانی، علاقه به شرکت در جلسات آموزشی و متعهد شدن به حضور در تمام جلسات آموزشی درمانی (به‌صورت فردی)، نداشتن اعتیاد و مشکلات روانی حاد، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، میانگین سنی ۲۵ تا ۴۰ سال و با مدت ازدواج ۲ تا ۱۰ سال. شرایط خروج از مطالعه: وجود اختلالات روان‌شناختی یا سابقه بیماری روانی و بستری (طبق مصاحبه اولیه که انجام شد).
ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹۶۹): پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز ۴۰ ماده ای در سال ۱۹۶۹ توسط جونز و بر اساس نظریه الیس (۱۹۶۲) طراحی شد. این پرسشنامه یکی از پر استفاده ترین ابزارهای اندازه گیری باورهای غیرمنطقی در جهان است. در اصل، این پرسشنامه انواع تفکرات غیرمنطقی را مورد سنجش قرار میدهد. نسخه اصلی آن ۱۰۰ سوال بسته را شامل میشود که از ۱۰ عامل تشکیل شده و هر عامل یک نوع تفکر غیرمنطقی را بررسی میکند. این ده عامل عبارتند از: توقع تایید از دیگران، انتظارات بیش از حد از خود، سرزنش کردن خود و دیگران، واکنش به درماندگی همراه با ناکامی، بی مسئولیتی هیجانی، توجه مضطربانه، اجتناب از مشکل، وابستگی، درماندگی در برابر تغییر، کمالگرایی. فرم کوتاه این آزمون در ایران توسط عبادی و معتمدین (۱۳۸۴) طراحی گردید. آنها پس از تحلیل پاسخنامه های آزمودنیها، ۶۰ ماده از ۱۰۰ ماده آزمون را حذف کردند و یک ساختار چهار عاملی به دست آوردند. این چهار عامل عبارت بودند از: درماندگی در برابر تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل، بی مسئولیتی هیجانی. برای نمره گذاری این پرسشنامه از طیف لیکرت پنج تایی (کاملاً مخالفم: ۱، تا حدی مخالفم: ۲، نه مخالف و نه موافقم: ۳، تا حدی موافقم: ۴، کاملاً موافقم: ۵) استفاده می شود. این پرسشنامه دارای چهار زیرمقیاس درماندگی نسبت به تغییر (سوالات ۱ تا ۱۵)، توقع تایید از دیگران (سوالات ۱۶ تا ۲۵)، اجتناب از مشکل (سوالات ۲۶ تا ۳۰) و بی مسئولیتی هیجانی (سوالات ۳۱ تا ۴۰) است. جونز (۱۹۶۸) همسانی درونی ۱۰ عامل آزمون باورهای غیرمنطقی را بین ۰/۴۵ تا ۰/۷۲ ضریب آزمون بازآزمون را معادل ۰/۹۲ و روایی همزمان آن را با مشکلات روانپزشکی ۰/۶۱ گزارش کرده است. نیلسن و هوران (۱۹۹۶) و سلیمانیان (۱۳۷۳) پایایی آزمون باورهای غیرمنطقی را با استفاده از آلفای کرنباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۷۰ از طریق تصنیف ۰/۸۵ و ۰/۷۳ گزارش کرده اند. برای سنجش پایایی آزمون و همسانی درونی عاملهای استخراج شده، عبادی و معتمد (۱۳۸۴) برای نسخه ۴۰ ماده ای این پرسشنامه از ضریب آلفای کرنباخ و دو نیمه سازی استفاده کردند. ضریب آلفای کرنباخ کلی این آزمون برابر با ۰/۷۵ دست آمد. و برای عامل های درماندگی در برابر تغییر ۰/۸۰، توقع تایید از دیگران ۰/۸۲، اجتناب از مشکل ۰/۷۳ و بی مسئولیتی هیجانی ۰/۷۵ بدست آمد. همچنین پایایی از روش دو نیمه سازی برای کل آزمون ۰/۷۶ و برای عامل ها به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۲ دست آمد. روایی سازهای این پرسشنامه در پژوهش عبادی و معتمد در حد مطلوب گزارش شد. آنها همچنین از روایی همگرا نیز استفاده نمودند. روایی همگرای این آزمون با فرم بلند ۱۰۰ سوالی در حدود ۰/۸۷ گزارش شد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰): این مقیاس شامل خودارزیابی ایجاد روابط و خود وصفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی، نسبت به نمادهای دلبستگی نزدیک است و ۱۸ ماده دادر که از طریق علامت گذاری روی

یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت (از به هیچ وجه با خصوصیات من مطابقت ندارد نمره ۱ تا با خصوصیات من کاملاً مطابقت دارد نمره ۵، تشکیل شده است) سنجیده می شود. هر خرده مقیاس متشکل از ۶ ماده و عبارت از دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دو سوگرا می باشد (بالبی، ۱۹۸۹). پژوهش های متعدد پایایی قابل قبولی را برای این مقیاس با استفاده از شیوه آزمون مجدد به دست داده اند، به طو مثال، ثبات آزمون مجدد ۰/۷ برآورد شده است. در پژوهش دیگری به منظور محاسبه اعتبار آزمون سبک های دلبستگی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک های دلبستگی محاسبه شد و نتایج برای سبک ایمن (۰/۶۲)، برای سبک اجتنابی (۰/۵۴) و برای سبک دو سوگرا (۰/۸۲) به دست آمد (حسن زاده بشتیبان، ۱۳۸۴). این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای سنجش سبک دلبستگی شرکت کنندگان استفاده گردید. میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۹ به دست آمد.

جدول ۱. خلاصه جلسات خانواده درمانی سیستمی بونن

جلسات	اهداف و روند جلسات
اول	معارفه و آشنایی اعضا با یکدیگر و رهبر گروه، بیان اهداف گروه، ذکر منشور مشاوره گروهی و گرفتن تعهد از اعضا
دوم	ارزیابی خانواده، ترسیم ژنوگرام و بررسی الگوهای آن ها
سوم	آشنایی و کار روی مفهوم احساس انسجام و رفتارهای کنترل گرایانه، توضیح در مورد جدایی افکار از احساس و جدایی فرد از خانواده و ارزیابی افراد در این خصوص
چهارم	آشنا کردن اعضا با مفهوم هم وابستگی و چگونگی بهبود در آن
پنجم	آشنایی اعضا با مفاهیم مثلث سازی و نظام عاطفی خانواده هسته ای و تاثیر آنها در ایجاد و تداوم مشکل
ششم	آشنایی اعضا با مفاهیم فرایند فرافکنی خانوادگی، گسلس عاطفی و تاثیر آنها در مشکلات خانواده
هفتم	آشنایی اعضا با جایگاه هم شیرها و فرایند انتقال چند نسلی
هشتم	مروری بر تمامی جلسات و راهبردهای نهایی برای بهبود وضعیت و اجرای پس آزمون

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار spss24 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت.

یافته ها

جهت انجام تحلیل کوواریانس محقق این پیش فرض ها را بررسی کرد که همگی محقق شدند. ۱. طبیعی بودن توزیع نمرات ۲. همگونی واریانس ها که با آزمون لوین و باکس این پیش فرض بررسی شد ۳. پایا بودن: متغیر کنترل، یعنی آزمونی که به عنوان همپراش انجام می شود باید پایا باشد و متناسب با موضوع پژوهش و طرح باشد ۴. اجرای همپراش قبل از شروع تحقیق ۵. همبستگی متعارف همپراش ها با یکدیگر: اگر تحقیق شامل دو یا چند همپراش باشد همبستگی همه همپراش ها با یکدیگر نباید بزرگ باشد ۶. همگونی شیب رگرسیون: مقدار F تعامل بین متغیر همپراش و مستقل

محاسبه شد و شاخص معنادار نبود ۷. خطی بودن همبستگی متغیر همپراش و متغیر مستقل: برای اثبات این امر مقدار F متغیر همپراش پس از محاسبه معنادار شد.

جدول ۲. نتایج آنالیز کوواریانس چندمتغیره در بررسی اثر خانواده درمانی سیستمی بوئن بر زیرمولفه های باورهای غیرمنطقی با کنترل پیش آزمون

نام آزمون	مقدار	آماره F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری	ضریب اتا	توان
اثر پیلائی	۰.۷۴	۳.۱۹	۴	۲۳	۰.۰۴۲	۰.۷۴	۰.۸۷
لامبدای ویلکس	۰.۲۸	۳.۴۳	۴	۲۳	۰.۰۴۲	۰.۷۴	۰.۸۷
اثر هتلینگ	۲.۶۵	۳.۱۷	۴	۲۳	۰.۰۴۲	۰.۷۴	۰.۸۷
بزرگترین ریشه روی	۲.۶۵	۳.۱۷	۴	۲۳	۰.۰۴۲	۰.۷۴	۰.۸۷

با توجه به جدول ۲ مشاهده می شود سطوح معناداری همه آزمون ها کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر این است که دو گروه آزمایش و گواه حداقل در یکی از مؤلفه های باورهای غیرمنطقی، با هم تفاوت معناداری داشته اند. برای مشخص شدن این نکته که از نظر کدام مؤلفه بین دو گروه اختلاف وجود دارد از تحلیل واریانس تک متغیره در متن مانکوا استفاده می شود که نتایج آن برای تک تک متغیرها بصورت زیر می باشد:

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس تک متغیره در متن مانکوا روی مؤلفه های باورهای غیرمنطقی گروه های آزمایش و گواه

متغیر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا	توان آماری
درماندگی نسبت به تغییر	۸۶.۲۵	۱	۳۶.۲۱	۰.۰۰۱	۰.۴۸	۰.۹۲
توقع تایید از دیگران	۴۴.۹۲	۱	۲۲.۷۳	۰.۰۰۱	۰.۵۳	۰.۹۶
اجتناب از مشکل	۳۸.۴۲	۱	۱۳.۷۵	۰.۰۳۸	۰.۳۶	۰.۸۴
بی مسئولیتی هیجانی	۵۰.۶۱	۱	۲۷.۴۲	۰.۰۰۲	۰.۴۴	۰.۸۸

با توجه به جدول ۳ مشاهده می شود اثر خانواده درمانی سیستمی بوئن بر همه زیرمولفه های باورهای غیرمنطقی (درماندگی نسبت به تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی مسئولیتی هیجانی) در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده است. به عبارت دیگر خانواده درمانی سیستمی بوئن باعث بهبود در درماندگی نسبت به تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی مسئولیتی هیجانی زنان مواجه شده با خیانت همسر شده است.

جدول ۴. تحلیل کوواریانس مربوط به تاثیر خانواده درمانی سیستمی بوئن بر سبک‌های دلبستگی زنان مواجه شده با خیانت

همسر					
منابع تغییرات	متغیرها	df	f	ضریب تاثیر	توان آماری
پیش آزمون	ناایمن/دوسوگرا	۱	۲۴/۱۸۰	۰/۶۵۷	۰/۰۰۱
پیش آزمون	اجتنابی	۱	۱۷/۱۵۶	۰/۶۵۳	۰/۰۰۱
پیش آزمون	ایمن	۱	۱۶۹/۹۲۸	۰/۷۹۱	۰/۰۰۱
گروه	ناایمن/دوسوگرا	۱	۱۸/۶۵۸	۰/۱۵۴	۰/۰۰۱
گروه	اجتنابی	۱	۱۶/۳۹۱	۰/۱۲۷	۰/۰۰۱
گروه	ایمن	۱	۴۱/۹۸۸	۰/۴۸۳	۰/۰۰۱

همان طور که در نتایج حاصل از کوواریانس جدول ۴ مشاهده می شود نمره سبک دلبستگی ایمن افراد گروه آزمایش افزایش معنادار ۴۸ درصدی نسبت به گروه گواه داشته است و در سبک‌های ناایمن/دوسوگرا و اجتنابی کاهش معناداری یافته است که به ترتیب با تاثیر ۱۵ درصد و با تاثیر ۱۲ درصد می باشد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی مشاوره سیستمی بوئن بر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر انجام شد. نتایج نشان داد که مشاوره سیستمی بوئن باعث بهبود سبک‌های دلبستگی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر شده است. نتایج پژوهش با یافته‌های (مجرد و همکاران، ۲۰۱۹؛ یکتا طالب و همکاران، ۲۰۱۷؛ مسینا و همکاران، ۲۰۱۸) همسویی دارند. در تبیین نتایج بدست آمده می توان چنین بیان کرد که این درمان موجب می شود زنان به نقطه نظرات همسر خود توجه بالایی کنند و به این نکته به عنوان وسیله ای برای پایا نگه داشتن و جلوگیری از سردی روابط و در نهایت افزایش کیفیت روابط و به طبع آن کاهش اختلافات زناشویی خواهد شد. همچنین، اعتقاد بر آن است که این درمان باعث می شود تا زوج‌ها به تدریج واکنش‌های متفاوت تری با افزایش بینش طرفین نسبت به خود، یکدیگر و رابطه ارائه دهند و باعث تسریع پردازش بین فردی باعث کاهش رفتارهای کنترل‌گرایانه و افزایش همکاری شفاف تر و خود به خودی تر در رابطه آنها می شود و پردازش زوجین از موقعیت‌ها را آرام تر می کند و با تمایلات خود محورانه برای در نظر گرفتن رابطه بر حسب منافع شخصی مقابله می کند. زنانی که تا دیروز فکر می کردند، مشکل آنها پیچیده و وحشتناک است و راهی به جز طلاق ندارند، اکنون با شرکت در جلسات درمانی امیدوار شده و متوجه خواهند شد که توانایی‌های لازم برای حل مشکل خویش را دارند. علاوه بر این، با اجرای فنونی چون اتخاذ دیدگاه و اجتناب، زنان متوجه خواهد شد که اگر قادرند تعارض را ایجاد کنند به همان صورت قادرند آن را متوقف کنند و راه حل‌های مختلفی برای حل تعارضات خود استفاده می کنند. در جلسات درمانی زنان با استفاده از فنون تغییر جهت گیری از انتقاد و شکایت

به سوی مشارکت فعال و رسیدن به رابطه ایده آل به بحث و گفت و گو درباره مشکل تشویق شدند و با بهبود ارتباط بین افراد در بعد ابراز، هر کدام از زنان مواردی را بیان کردند که در ارتباط برای آنها اهمیت دارد و آن چه آنها را ناراحت می کند، در نتیجه میزان رضایت آنها از رابطه زناشویی افزایش پیدا کرده و از میزان گرایش به طلاق آنها کاسته شد. در بحث روابط زناشویی و وفاداری، زنان گزارش دادند که نسبت به همسر خود احساس تعهد بیشتری دارند. با توجه به نتایج مثبت زوج درمانی سیستمی بوئن در فرهنگ ایرانی، به زنان در جهت بیان هیجان‌ناهی کمک کرد که به نارضایتی و افزایش دل‌بستگی ایمن در روابط زناشویی منجر شده است، تا با فراموش کردن اشتباهات و صدمات گذشته و تاکید بر نقشی که هیجان‌ناهی منفی گذشته از رویدادهای زندگی در افزایش رفتارهای کنترل‌گرایانه بین زوجین دارند در جهت بازسازی راه حل‌های کارآمد برای بهبود سبک‌های دل‌بستگی ایمن در روابط زناشویی استفاده کرد.

همچنین نتایج نشان داد که مشاوره سیستمی بوئن باعث بهبود باورهای غیرمنطقی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر شده است. نتایج پژوهش با یافته‌های (نیلاب و همکاران، ۲۰۱۹؛ هیلی و آلن، ۲۰۲۰) همخوانی دارد. اختلال در روابط زناشویی ناشی از برداشتی است که زن و شوهر درباره رفتار همسر خود دارند و نه خود رفتار. با توجه به این که آموزش مشاوره سیستمی بوئن می‌تواند منجر به رشد فکری افراد شود و منظور از رشد فکری توانایی شخص در تصمیم‌گیری عاقلانه است، بنابراین می‌توان انتظار داشت که این پژوهش، فرصتی باشد تا افراد شرکت‌کننده در آن، راجع به خود و روابطشان، بیشتر بیاموزند، نگاه متفاوتی به طرز رفتارشان با همسر و فرزندانشان داشته باشند، به طوری که بتوانند مسئولیت مشکلات خودشان را به عهده بگیرند و از سرزنش کردن دیگران و دنبال مقصر گشتن دست بردارند و به نقش‌های خودشان در مشکلات خانوادگی و فرایندهای میان‌فردی، پی ببرند. همچنین آموزش رویکرد بوئن می‌تواند منجر به بهبود باورهای غیرمنطقی و رشد عاطفی نیز شود. بنابراین با آموزش مشاوره سیستمی بوئن و به تبع آن رشد انسجام و پختگی روانی باعث می‌شود که همسران معایب و نقایص یکدیگر را بپذیرند و آنها را به رخ هم نکشند و در حالت مختلف انعطاف‌پذیری داشته و واکنش مناسب نشان دهند. در مسائل مختلف زندگی به طور مستقل تصمیم‌های منطقی گرفته و با افراد با تجربه و صلاحیت دار مشورت کنند، انتقادهای سازنده را در جهت تغییر و اصلاح رفتار خود بپذیرند، احساس تعلق خاطر کنند و بتوانند به دیگران محبت نمایند. از سوی دیگر، مشاوره سیستمی بوئن به زنان کمک می‌کند تا بین خود و فرزندان، شغل، خانواده مبدا و ... مرزهای روشن و مشخصی را ایجاد نمایند و سعی کنند تا با رسیدگی به نیازهای خود و جلوگیری از دخالت اطرافیان در زندگی مشترک و گرفتن تصمیمات مستقل، زمینه را برای رضایت بیشتر و بهبود باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی خویش فراهم آورند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش محدود بودن نمونه مورد بررسی از زنان مواجه شده با خیانت همسر است که این تعداد نمی‌تواند معرف خوب و کافی برای جامعه باشد. بنابراین تعمیم دادن نتایج فقط به جامعه موردنظر منطقی و

امکان‌پذیر است، و برای سطوح دیگر باید با رعایت احتیاط این کار را انجام دهیم. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به علت محدود بودن امکانات و دشواری اجرای پژوهشی گسترده با روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی در رابطه با موضوع این پژوهش اشاره کرد که موجب سوگیری ناخواسته در نتایج بدست آمده می‌شود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی آموزش به صورت زوجی و با مشارکت زن و شوهر در دوره‌های آموزشی باشد. پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌کنندگان در این پژوهش پس از دریافت محتوی آموزشی جلسات قادر به کسب آن مهارت‌ها باشند. یک دلیل بر این مدعا این است که در مرحله پس‌آزمون نه‌تنها باورهای غیرمنطقی خانم‌ها بهبود یافته بود، بلکه سطح سلامت روان نیز از بهبود قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار گردید. بنابراین با توجه به این‌که خیانت از مسائل دردناکی است که در سال‌های اخیر به بسیاری از خانواده‌ها، صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرده است، لازم است پژوهشکده‌های زنان، آموزش و پرورش، خانه‌های سلامت شهرداری، دانشگاه‌ها، سازمان ملی جوانان در جهت‌گیری پژوهش‌های خود به این امر توجه ویژه‌ای مبذول کنند تا زمینه پیشگیری از آن فراهم آید.

منابع

کارگر خرم‌آبادی، حکمت، خدابخش، محمدرضا، و کیانی، فریبا. (۱۳۹۵). اثربخشی مشاوره گروهی بخشش محور مبتنی بر دیدگاه اسلامی بر ترمیم رابطه زناشویی بعد از خیانت همسر. *مجله اخلاق پزشکی*، ۱۰ (۳۸)، ۳۶-۲۹.

میعادی، ه. (۱۳۹۴). *اثربخشی آموزش مبتنی بر درمان راه‌حل‌مدار بر باورهای ارتباطی زناشویی زنان متأهل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

- Alzeer, S. M., Michailidou, M. I., Munot, M., & Kyranides, M. N. (2019). Attachment and parental relationships and the association with psychopathic traits in young adults. *Personality and Individual Differences*, 151, 109499.
- Balkis, M., & Duru, E. (2019). Procrastination and rational/irrational beliefs: A moderated mediation model. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 37(3), 299-315.
- Buschmann, T., Horn, R. A., Blankenship, V. R., Garcia, Y. E., & Bohan, K. B. (2018). The relationship between automatic thoughts and irrational beliefs predicting anxiety and depression. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 36(2), 137-162.
- Chan, H. W. Q., & Sun, C. F. R. (2021). Irrational beliefs, depression, anxiety, and stress among university students in Hong Kong. *Journal of American College Health*, 69(8), 827-841.
- Chrysidis, S., Turner, M. J., & Wood, A. G. (2020). The effects of REBT on irrational beliefs, self-determined motivation, and self-efficacy in American Football. *Journal of Sports Sciences*, 38(19), 2215-2224.
- Crouch, E., & Dickes, L. (2016). Economic repercussions of marital infidelity. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 36(1/2), 53-65. P 8
- Davies, A., Nouruzi, S., Ganguli, D., Namekawa, T., Thaper, D., Linder, S., ... & Zoubeidi, A. (2021). An androgen receptor switch underlies lineage infidelity in treatment-resistant prostate cancer. *Nature Cell Biology*, 23(9), 1023-1034.
- Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (2013). *Family Therapy*. Translation: Hoseinshahi Baravati, H.R. Naqshbandi, S. & Arjomand, E. Tehran: Ravan Publishing, 12th Edition. [Persian]

- Haghani, M., Abedi, A., Fatehizade, M., & Aghaei, A. (2019). A Comparison of the Effectiveness of Combined Systemic Couple Therapy (Bowen) and Emotion-focused Therapy (Johnson) Packages and Integrated Couple Therapy on the Quality of Marital Life of Couples Affected by Infidelity. *Sadra Medical Journal*, 8(1), 11-28.
- Harris, C. (2018). *Characteristics of Emotional and Physical Marital Infidelity That Predict Divorce* (Doctoral dissertation, Alliant International University).
- Healy, R. W., & Allen, L. R. (2020). Bowen family systems therapy with transgender minors: A case study. *Clinical Social Work Journal*, 48(4), 402-411.
- Hocking, E. C., Simons, R. M., & Surette, R. J. (2016). Attachment style as a mediator between childhood maltreatment and the experience of betrayal trauma as an adult. *Child abuse & neglect*, 52, 94-101.
- Josephs, L. (2018). *The dynamics of infidelity: Applying relationship science to psychotherapy practice*. American Psychological Association.
- Karkhaneh, P., Farhang, M., Jazayeri, R., Soleimani, R., Bahrami, F., & Fatehizade, M. (2016). The Study of the effectiveness of the Bowen self-differentiation counseling on marital conflicts on married women in Isfahan. *Life*, 50, 12.
- Lichtenstein, M. B., Nielsen, R. O., Gudex, C., Hinze, C. J., & Jørgensen, U. (2018). Exercise addiction is associated with emotional distress in injured and non-injured regular exercisers. *Addictive behaviors reports*, 8, 33-39.
- McCarthy, F. P., & Taylor, L. C. (2015). Prevalence and predictors of alcohol use during pregnancy: findings from international multicentre cohort studies. *BMJ open*, 5(7), e006323.
- Messina, K. C., Kolbert, J. B., Bundick, M. J., Crothers, L. M., & Strano, D. A. (2018). The impact of counseling on Bowen's differentiation of self. *The Family Journal*, 26(2), 150-155.
- Mojarrad, A., Ghamarigivi, H., & Kiani, A. (2019). Effectiveness Bowen Systemic Consulting on forgiveness and marital burnout in maladaptive women. *Quarterly Journal of Women and Society*, 9(36), 275-290.
- Nilab, R., Ghanbari Hashem Abadi, B., & Kimiaee, S. (2019). The Effectiveness of Bowen's Approach on Self-Differentiation and Marital Satisfaction among Turkish and Turkmen Women. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 9(1), 34-50.
- Oke, O. P. (2018). The Socio Religious Significance of Edi Festival Song in Controlling Marital Infidelity in Traditional Marriage Institution in Oriigbo Meje, Osun state Nigeria. *Global Journal of Human-Social Science Research*.
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 19-24.
- Witvliet, C. V., Hofelich Mohr, A. J., Hinman, N. G., & Knoll, R. W. (2015). Transforming or restraining rumination: The impact of compassionate reappraisal versus emotion suppression on empathy, forgiveness, and affective psychophysiology. *The Journal of Positive Psychology*, 10(3), 248-261.
- Yektatalab, S., Seddigh Oskouee, F., & Sodani, M. (2017). Efficacy of Bowen theory on marital conflict in the family nursing practice: A randomized controlled trial. *Issues in mental health nursing*, 38(3), 253-260.
- Žeželj, I., & Lazarević, L. B. (2019). Irrational beliefs. *Europe's journal of psychology*, 15(1), 1.

The Effectiveness of Boen's Systemic Family Therapy on Attachment Styles and Irrational Beliefs of Women Faced with Infidelity

Atefeh Maleklou¹

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the effectiveness of Boen's systemic family therapy on attachment styles and irrational beliefs in women affected by the infidelity of their husbands in Tehran in 1401. The method of the current research is semi-experimental and a pre-test-post-test plan with a control group was used to collect data. The statistical population of the research was made up of all the women faced with infidelity by their husbands who went to the counseling centers of the 7th district of Tehran, and among them, 30 people were randomly selected in the experimental group (15 people in each group) and control. (15 people) were appointed. The experimental group of Bowen Systemic Family Therapy was trained for 8 sessions of 90 minutes, and the control group remained on the waiting list. The tools used in the current research included the attachment styles questionnaire (Collins and Reed, 1990) and the irrational beliefs questionnaire (Jones, 1969), which were used in two phases, pre-test and post-test. The analysis of the information obtained from the implementation of the questionnaire was done through the SPSS24 software in two descriptive and inferential sections (analysis of covariance). The findings showed that the secure attachment style score of the experimental group had a significant increase of 48% compared to the control group, and there was a significant decrease in the insecure/ambivalent and avoidant styles, with an effect of 15% and 12%, respectively. Also, the results showed that Bowen's systemic family therapy has improved helplessness towards change, expectation of approval from others, avoidance of problems and emotional irresponsibility of women faced with infidelity. These results can be a support for using Bowen's systematic counseling method in reducing irrational beliefs and increasing the level of secure attachment in women faced with infidelity, so that in addition to preventing the collapse of the family foundation, it improved marital relations.

Key words: attachment styles, irrational beliefs, Boen's systemic family therapy, betrayal

¹ Master of Counseling, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author)